



Further Explanations Regarding the Hemistich "نخستین فکرت، پسین شمار" in the Prologue of the Shahnameh.

Sadjad Aydenloo 

Professor of Persian Language and Literature, Payam-e Noor University (Urumiya branch). Urumiya. Iran. Email: aydenloo@gmail.com

Received: 2024/8/18

Accepted: 2024/9/23

Published: 2024/10/16

Citation: Aydenloo, Sadjad. (2024). "Further Explanations Regarding the Hemistich "نخستین فکرت، پسین شمار" in the Prologue of the Shahnameh." *Epic Knowledge and Wisdom*. 1 (3). 5 – 20. <https://doi.org/10.22067/jmels.2025.89882.1035>

Abstract

In this well-known verse from the prologue of the *Shahnameh*, regarding the stature of humankind, "نخستین فکرت، پسین شمار / تو مر خویشتن را به بازی مدار" (based on the edition of Khaleqi-Motlagh), the first hemistich should be edited as "نخستین فکرت، پسین شمار" rather than "نخستین فکرت، پسین شمار" or other variations, for several reasons and supporting evidence: 1. According to the rule, "Which variant can be transformed into the other?", "نخستین فکرت" could easily transform into "نخستین فکرت،" but the reverse is far less likely; 2. The variant "نخستین فکرت" appears in earlier manuscripts of the *Shahnameh*; 3. The earliest recorded instance linking the hemistich "نخستین فکرت پسین شمار" to the phrase "اَوَّلُ الْفِكْرِ آخِرُ الْعَمَلِ" is found in Mullah Hossein Wa'ez Kashifi's *Lubb al-Lubab Masnavi*.4. Important secondary sources, such as *Ikhtiyarat-e Shahnameh*, early manuscripts of *Fara'id al-Suluk*, and the manuscript of 689 AH of *Tabserat al-Muhtadi wa Tazkerat al-Montaha*, support this reading.5. The manuscript of the *Shahnameh* used by Nezami Ganjavi likely contained the same variant, "نخستین فکرت، پسین شمار." Both before and after Ferdowsi, philosophers and writers have drawn attention to the relationship between "اَوَّلُ الْفِكْرِ آخِرُ الْعَمَلِ" and the nature of humanity and its creation. The meaning of "نخستین فکرت پسین شمار" is as follows: O human, you are the first being that God considered in the act of creation, yet in the order and process of creation, you were brought into existence last.

Keywords: Shahnameh, Prologue, Critical Edition, Nokhostin-e Fekrat, Nokhostin-e Fitrat





توضیحاتی دیگر درباره مصراع «نخستین فکر پسین شمار» در دیباجه شاهنامه

سجاد آیدنلو ID

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اورمیه، ایران. aydenloo@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۸	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۰۲	تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۷/۲۵
استناد: آیدنلو، سجاد. (۱۴۰۳). «توضیحاتی دیگر درباره مصراع «نخستین فکر پسین شمار» در دیباجه شاهنامه». دانش و خرد حماسی، ۱(۳)، ۲۰-۵. https://doi.org/10.22067/jmels.2025.89882.1035		

چکیده

در این بیت معروف دیباجه شاهنامه درباره جایگاه آدمی: «نخستینت فکر پسینت شمار/ تو مر خو یشتن را به بازی مدار» (ضبط بر اساس تصحیح خالقی مطلق)، مصراع نخست به چند دلیل و قرینه به صورت «نخستین فکر، پسین شمار» درست است نه «نخستین فطرت، پسین شمار» یا وجوه دیگر. از جمله این دلایل و قرائن: ۱. طبق قاعده «کدام ضبط می‌تواند به ضبط دیگر تبدیل شود؟»، «نخستین فکر» به «نخستین فطرت» تغییر داده می‌شود اما احتمال برعکس، بسیار ضعیف است. ۲. وجه «نخستین فکر» در نسخ شاهنامه قدیم‌تر است. ۳. اولین بار ملاحسین واعظ کاشفی در لب لباب مثنوی، مصراع «نخستین فکر پسین شمار» را با عبارت «اول الفکر آخر العمل» پیوند داده است. ۴. منابع فرعی مهمی مانند اختیارات شاهنامه، نسخه‌های قدیم کتاب فرائدالسلوک و دست‌نویس مورخ ۶۸۹ ه.ق کتاب تبصرة المهتدی و تذکره المنتهی از ضبط مذکور پشتیبانی می‌کند. ۵. در نسخه شاهنامه مورد استفاده نظامی گنجوی هم احتمالاً ضبط مصراع «نخستین فکر پسین شمار» بوده است. ۶. پیش و پس از فردوسی، حکما و نویسندگان به رابطه «اول الفکر آخر العمل» با «انسان» و «آفرینش» او اشاره کرده‌اند. معنای «نخستین فکر پسین شمار» چنین است: ای انسان تو نخستین موجودی هستی که خداوند هنگام خلقت به آن اندیشید ولی در ترتیب و روند آفرینش، آخر از همه به وجود آمدی.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، دیباجه، تصحیح، نخستین فکر، نخستین فطرت.

مقدمه

در دیباجه شاهنامه بخش «گفتار اندر آفرینش مردم» بیتی درباره انسان و جایگاه الای او در میان دیگر آفریده‌های خداوند آمده که ضبط آن در ویرایش دوم تصحیح خالقی مطلق چنین است:

نخستینت فکرت پسینت شمار تو مر خویشتن را به بازی مدار

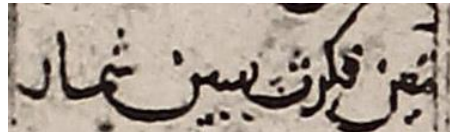
(فردوسی، ۱۳۹۸ الف: ۱/۳/۶۶)

دشواری این بیت در ضبط و معنای درست مصراع اول آن است. در نسخه‌های شاهنامه از قدیم‌ترین آن‌ها تا متأخرترینشان در سده دوازدهم، این ضبط‌ها برای مصراع نخست دیده می‌شود:

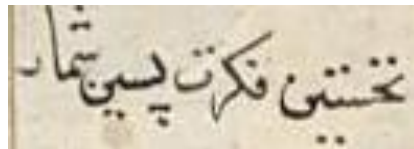
نخستینت فکرت پسینت شمار: فلورانس (۶۱۴ ه.ق) (ص ۳ چاپ عکسی نسخه).^۱

نخستین جنبش پسین شمار: لندن/ بریتانیا (۶۷۵ ه.ق) (برگ ۶ الف چاپ عکسی نسخه).^۲

نخستین فکرت پسین شمار: سن ژوزف (احتمالاً اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم) (ص ۱ چاپ عکسی نسخه)، برلین (۸۹۴ ه.ق) (ص ۱۹ پی دی اف نسخه)، دانشگاه هاروارد (۱۱۳۴) (ص ۲۷ پی دی اف)، برلین (۱۱۹۹) (ص ۳۰ پی دی اف)، برلین (بی تاریخ، شماره Ms. Ham. 260، ص ۲۸ پی دی اف)، پاریس (بی تاریخ، شماره Persan. 229، ص ۳۱ پی دی اف)، دانشکده الهیات مشهد (بی تاریخ، ص ۲ پی دی اف) و مجلس (بی تاریخ، شماره ۱۲۹۱۹، ص ۱۶ پی دی اف).



(تصویر مصراع در نسخه سن ژوزف)



(تصویر مصراع در نسخه برلین، ۸۹۴ ه.ق)

نخستین فطرت پسین شمار: تو پقاپوسرای (۷۳۱ ه.ق) (ص ۱۵ پی دی اف)، لنینگراد (۷۳۳) (ص ۵ پی دی اف)، قاهره (۷۴۱) (برگ ۲۳۵ تصویر اسکن شده)، قاهره (۷۹۶) (ص ۶ پی دی اف)، کاما (ظاهراً قرن هشتم) (برگ ۶۰۳ تصویر اسکن شده)، سعدلو (احتمالاً سده هشتم) (ص ۷ نسخه برگردان)، دهلی (۸۳۱) (برگ ۷ تصویر)، بایسنقری (۸۲۹-۸۳۳) (ص ۲۷ چاپ عکسی)، بادلیان (۸۱۷-۸۳۸) (ص ۴۸ پی دی اف)، نورعثمانیه (۸۳۴) (ص ۸ پی دی اف)، لیدن (۸۴۰) (ص ۱۶ پی دی اف)، سلیمانیه (۸۴۳) (ص

۱۲ پی‌دی‌اف)، لندن (۸۴۱) (برگ ۵۰۶ تصویر اسکن شده)، پاریس (۸۴۴) (ص ۱۸ پی‌دی‌اف)، ایاصوفیه (۸۴۶) (ص ۴ پی‌دی‌اف)، واتیکان (۸۴۸) (ص ۱۰ پی‌دی‌اف)، پاریس (۸۴۸) (ص ۱۳ پی‌دی‌اف)، ایاصوفیه (۸۵۷) (ص ۷ پی‌دی‌اف)، ایاصوفیه (۸۶۱) (ص ۸ پی‌دی‌اف)، ایاصوفیه (۸۶۹) (ص ۱۳ پی‌دی‌اف)، دانشگاه استانبول (۸۹۵) (ص ۱۵ پی‌دی‌اف)، محمد عاصم‌بی (۸۹۹) (ص ۱۸ پی‌دی‌اف)، مونیخ (۹۰۲) (ص ۱۴ پی‌دی‌اف)، پاریس (۹۰۵) (ص ۲۳ پی‌دی‌اف)، پاریس (۹۷۴) (ص ۳۹ پی‌دی‌اف) و نسخ دیگر.

نخستین (بدون «ن») فطرت پسینت شمار: حاشیه ظفرنامه (چاپ عکسی، ج ۱، ص ۴).

نخستین قدرت پسین شمار: پاریس (۱۰۱۲ ه.ق) (ص ۲۵ پی‌دی‌اف)؛ نخستین ز فطرت پسین شمار: مجلس (۱۰۵۵ ه.ق) (ص ۶ پی‌دی‌اف) و دانشگاه تهران (بی‌تاریخ، شماره ۸۵۰۲، ص ۱۷ پی‌دی‌اف)؛ نخستین ز فکرت بیستش شمار: کتابخانه ملی ایران (۱۰۶۱ ه.ق) (ص ۳۲ پی‌دی‌اف)؛ نخستین تو فکرت پسین را شمار: مجلس (بی‌تاریخ، شماره ۳۲۵۷، ص ۳ پی‌دی‌اف)؛ نخستین ز فکرت بسی بر شمار: دانشگاه هاروارد (بی‌تاریخ) (ص ۱۳ پی‌دی‌اف) و کتابخانه کنگره آمریکا (بی‌تاریخ) (ص ۱۳ پی‌دی‌اف)؛ نخستین ز فکرت پسینه شمار: دانشگاه توینگن (بی‌تاریخ) (ص ۱۰ پی‌دی‌اف)؛ نخستین ز فکرت بعین شمار: دانشگاه میشیگان (بی‌تاریخ) (ص ۱۲ پی‌دی‌اف).

بیشتر چاپ‌ها و تصحیحات شاهنامه بر اساس ضبط غالب نسخ، «نخستین فطرت پسین شمار» را دارند. فقط انتخاب تصحیح جیحونی (۱/۴/۶۴) و مهدی قریب (۱/۴/۷۹) «نخستین فکرت پسین شمار» است و در ویرایش اول تصحیح خالقی مطلق (۱/۷/۶۶) و ویرایش دوم این تصحیح - چنان‌که دیدیم - «نخستین فکرت پسینت شمار» از دست‌نویس فلورانس برگزیده شده است. کزازی در متن نامه باستان (۱/۲۲/۶۶) «نخستین فطرت پسینت شمار» آورده‌اند اما در ویرایش دیگر خویش که پس از نامه باستان منتشر شده است، به نویس اکثر نسخ (نخستین فطرت پسین شمار) برگشته‌اند (رک: فردوسی، ۱۳۹۸ ب: ۱/۳۷/۶۶).

معنای ضبط مشهور و متداول «نخستین فطرت پسین شمار» همان‌گونه که فروغی و بعد محققان و شارحان و گزینشگران دیگر شاهنامه نوشته‌اند (رک: پرهام، ۱۳۷۷: ۴۹؛ تقوی، ۱۳۹۰: ۸۱۹؛ دبیرسیاقی، ۱۳۷۶: ۱۷؛ فردوسی، ۱۳۷۵ الف: ۱۱؛ فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ج ۱، ص ۶؛ فردوسی، ۱۳۹۱ الف: ۳۲؛ فروغی، ۱۳۷۸: ۲؛ فروغی و یغمایی، ۱۳۸۷: ۴۸؛ کزازی، ۱۳۹۴: ۲۳۰؛ ۴ یا حقی، ۱۳۸۷: ۳) این است که: ای انسان تو از نظر اهمیت در نظام آفرینش و میان آفریده‌ها نخستین و برترین و به لحاظ ترتیب خلقت، آخرین مخلوق هستی. کویاجی مصراع فردوسی را با همین ضبط رایج، با اشارات اوستایی و پهلوی پیوند

داده و در تفسیر آن نوشته است: «آدمی با رویکرد به آفرینش فروشی/ فروهر وی، در زمرة نخستین آفریدگان است و با به دیده گرفتن پدیدارهای استومند او بر روی این زمین، در واپسین رده جای دارد» (کویاجی، ۱۳۸۰: ۳۱۸).^۵

خالقی مطلق ضبط متن خویش (نخستینت فکرت پسینت شمار) را چنین معنا کرده‌اند: «ای آدمی، هدف از آفرینش دو گیتی تو هستی که تو را به چندین میانجی پرورده‌اند ... که نخستین میانجی تو فکرت یعنی خرد در آغاز آفرینش در این گیتی است و پسین میانجی تو روز شمار [= روز قیامت] در آن گیتی» (خالقی مطلق، ۱۳۹۱: بخش یکم، ۱۵).^۶ دوستخواه این وجه را به گونه‌ای دیگر گزارش کرده و نوشته‌اند: «ای آدمی، پایگاه ویژه و یگانه تو در همه دو گیتی این است که در برخوردارى از «اندیشه»، نخستین آفریده‌ای، و در شمار (شمارش) و برآورد پیدایی و بودن آفریدگان در جهان هستی (پسین)ی و شرف اندیشه‌وری و واپسین و والاترین آفریده به شمار آمدن، در زنجیره آفرینش هستان به تو ارزانی داشته شده و تخصیص یافته است» (دوستخواه، ۱۳۷۴: ۲۲).

با اینکه ضبط بیشتر دست‌نویس‌های شاهنامه برای مصراع مورد بررسی «نخستین فطرت پسین شمار» است، در تصحیح علمی - انتقادی و روشمند، برخلاف آنچه برخی گمان می‌کنند، همواره نمی‌توان نگاشته اکثر نسخ را درست دانست و به متن برد.^۷ در اینجا نیز نگارنده به چند دلیل و قرینه صورت «نخستین فکرت پسین شمار» را - که در چاپ‌های جیحونی و قریب نیز آمده است - برتر از «نخستین فطرت ...» و به احتمال بسیار گفته اصلی فردوسی می‌داند:

۱. اگر به ضابطه بسیار مهم و تعیین‌کننده «کدام ضبط می‌تواند به ضبط دیگر تبدیل شود؟» در تصحیح علمی - انتقادی توجه کنیم، در این مصراع واژه «فطرت» به معنای «آفرینش، سرشت» به دلیل موضوع این بخش از دیباجه که «آفرینش مردم» است در نظر کاتبان و خوانندگان آشناتر و مناسب‌تر از «فکرت» بوده است و اگر فردوسی می‌گفت «نخستین فطرت ...»، بسیار بعید بود که کاتبی/ خواننده‌ای آن را به «نخستین فکرت ...» بگرداند، اما چون فردوسی احتمالاً سروده است «نخستین فکرت ...»، شمار بسیاری که علت کاربرد و معنای «فکرت» را در اینجا در نمی‌یافتند، آن را به کلمه هم‌وزن دیگر یعنی «فطرت» تغییر داده‌اند تا مقصود مصراع را روشن کرده باشند.

۲. وجه «نخستین فکرت پسین شمار» افزون بر تأیید از راه قاعده مهم مذکور، در نسخ شاهنامه قدیم‌تر از صورت «نخستین فطرت پسین شمار» است، زیرا چنان که دیدیم، لغت «فکرت» در دست‌نویس فلورانس (۶۱۴ ه.ق.) (البته با تفاوت دو ضبط در بخش‌های دیگر مصراع) و نویسش «نخستین فکرت پسین شمار» در نسخه سن‌ژوزف (احتمالاً کتابت اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم) به کار رفته است، در حالی که

کهن‌ترین نسخه‌های پشتیبان «نخستین فطرت پسین شمار»، توپاپوسرای (۷۳۱ ه.ق) و بعد لنینگراد (۷۳۳ ه.ق) است. «نخستین فکرت پسین شمار» در نسخه معتبر برلین (۸۹۴ ه.ق) هم آمده و در شماری از دست‌نویس‌های متأخر نیز باقی مانده است که به مادر نسخه‌های قدیمی‌تر آن‌ها برمی‌گردد.

۳. نخستین بار محبوب در اشارتی بسیار موجز، مصراع فردوسی را با ضبط معروف «نخستین فطرت پسین شمار» با عبارت «أول الفکر آخر العمل» مرتبط دانسته (رک: محبوب، بی‌تا: ۴۲۵ و ۴۲۶) و بعد نوریان در مقاله‌ای مستقل نشان داده‌اند که فردوسی دقیقاً به عبارت مذکور توجه داشته و آن را ترجمه کرده است و بر همین اساس ضبط درست مصراع «نخستین فکرت پسین شمار» است. (نخستین فکرت = اول الفکر؛ پسین شمار = آخر العمل). «أول الفکر آخر العمل» که جز شاهنامه در متون دیگر هم بدان اشاره شده، به معنای «علت غایی هر چیز یا کار» یا «چیزی است که در اندیشه فاعل پیش از همه وجود دارد ولی در عمل / فعل پس از همه پدید می‌آید» (نوریان، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۵). مجتبایی نیز ضمن تأیید ضبط «نخستین فکرت پسین شمار» و ارتباط آن با عبارت «أول الفکر آخر العمل»، سوابق این مضمون را در آثار یونانی و متون فارسی و عربی دیگر - غیر از آنچه در مقاله نوریان آمده است - آورده‌اند (رک: مجتبایی، ۱۳۹۱: ۱۵۴-۱۵۶). عجیب اینکه هم در مقاله نوریان و هم در مقاله مجتبایی اشاره به فضل تقدم محبوب در توجه به رابطه سخن فردوسی با عبارت مذکور فراموش شده است.

جالب این است که پیش از همه محققان معاصر، ملا حسین واعظ کاشفی (۸۴۰-۹۱۰ ه.ق) در لب لباب مثنوی (پایان تألیف: ۸۷۵ ه.ق) بیت فردوسی را با ضبط «نخستین فکرت پسین شمار...» با عبارت «أول الفکر آخر العمل» مرتبط دانسته و نوشته است: «ای درویش... انسان به حسب صورت آخر است و به حسب معنی اول... پس قضیه مرضیه اول الفکر آخر العمل در شأن او راست آید و اینجا گفته‌اند: نخستین فکرت پسین شمار / تویی خویشان را به بازی مدار» (کاشفی، بی‌تا: ۳۵۰).

۴. در کنار نسخه‌های کهن و معتبر شاهنامه، منابع فرعی و جانبی مهمی نیز از ضبط «نخستین فکرت پسین شمار» پشتیبانی می‌کند. نخست و مهم‌تر از همه، کتاب اختیارات شاهنامه است که شخصی به نام علی بن احمد - ظاهراً قاینی (در این باره، رک: امیدسالار، ۱۳۸۹: ۱۷۲) - در سال (۴۷۴ ه.ق) تدوین کرده و مصراع را با ضبط یادشده نوشته است (رک: علی بن احمد، ۱۳۷۹: ۵۲، ب ۶۱). در نسخه‌های قدیم کتاب فرائدالسلوک که متعلق به قرن هفتم است، این بیت با ضبط «نخستین فکرت پسین شمار» آمده و فقط در دست‌نویس سده هشتمی این متن «فطرت» نوشته شده است (رک: سجاسی، ۱۳۶۸: ۲۱). در دست‌نویس مورخ ۶۸۹ ه.ق. کتاب تبصرة المهتدی و تذکرة المنتهی قونوی (محفوظ در کتابخانه نورعثمانیه ترکیه) هم مصراع فردوسی «نخستین فکرت پسین شمار» ضبط شده است (رک: صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۵: ۱/۵۹۴).

تاریخ کتابت این نسخه از دو دست‌نویس تاریخ‌دار شاهنامه (یعنی: فلورانس، ۶۱۴ و لندن/ بریتانیا، ۶۷۵ ه.ق.) جدیدتر است و به همین دلیل شاهد و سند مهمی به شمار می‌آید. بیت شاهنامه در دو کتاب اخلاق‌الاشراف عبید زاکانی و مرآت‌المحققین شیخ محمود شبستری نقل شده و در نسخه‌های کهن‌تر این دو متن، مصراع نخست «نخستین فکرت پسین شمار» است (رک: نوریان، ۱۳۷۸: ۳۵). غیر از لب لباب مثنوی کاشفی - که اشاره شد- در نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص جامی نیز ضبط مصراع همین گونه است (رک: جامی، ۱۳۷۰: ۱۰۱).

۵. نظامی در مصراع نخست بیت «اول اندیشه پسین شمار/ این سخن است این سخن اینجا بدار» در مخزن‌الاسرار (رک: نظامی گنجوی، ۱۴۰۱: ۳۸، ب ۳۹۵)، غیر از استفاده از عبارت «اول الفکر آخر العمل»، به قرینه کاربرد «پسین شمار» که در مصراع فردوسی هم هست شاید به بیت شاهنامه نیز توجه داشته است.^۸ اگر این احتمال درست باشد، چون تاریخ پایان نظم مخزن‌الاسرار ظاهراً ۵۵۲ ه.ق. است (رک: نظامی گنجوی، ۱۴۰۱: شصت و چهار- هفتاد مقدمه)، می‌توان گفت در نسخه‌ای از شاهنامه که در اختیار نظامی بوده و پیش از سال ۵۵۲ ه.ق. کتابت شده بوده است، شاید ضبط مصراع «نخستین فکرت پسین شمار» بوده و نظامی نیز بر اساس همین وجه و به ضرورت وزن به جای «نخستین فکرت»، «اول اندیشه» گذاشته و با وام‌گیری بخش دوم مصراع فردوسی، مصراع خویش را ساخته است. نسخه شاهنامه مورد استفاده نظامی کهن‌تر از همه دست‌نویس‌هایی بوده که تا امروز شناخته شده است و صورت محتمل «نخستین فکرت» در آن گواه بسیار مهمی برای درستی و اصالت این نویش است.

۶. پیش از فردوسی، مقدسی در البدء و التاریخ (تألیف ۳۵۵ ه.ق.) به رابطه عبارت «اول الفکر آخر العمل» با «آفرینش انسان» اشاره کرده که بسیار درخور توجه است و نشان می‌دهد حکما و نویسندگان گذشته در زمان فردوسی و قبل و بعد از او- چنان که خواهیم آورد- این عبارت فلسفی را با «انسان» و خلقت او مرتبط می‌دانسته‌اند و فردوسی نیز چنین کرده است. مقدسی نوشته است: «وقد صح حکمُ الحكماء ان آخر العمل اول الفکر و اول الفکر آخر العمل. فلما كان الانسان آخر العمل الصانع صح أنه اول فكرة الصانع و هذا رای اکثر الفلاسفة» (المقدسی، بی‌تا: ۷۹). پس از فردوسی، ناصر خسرو نیز در جامع‌الحکمتین عبارت مذکور را با «آفرینش مردم» پیوند داده است و این از جهت مشابهت بعضی اشارات دیباجه شاهنامه با باورها، افکار و اقوال اسماعیلیه توجه‌برانگیز است: «پس آخر چیزی که بر مصنوع پدید آید، اول علت آن مصنوع باشد و بدین روی حکما گویند این قول معروف (را) «اول الفکر آخر العمل». نبینی که نخست اندیشه درودگر آن باشد که شاه را تختی باشد و آخر کارش آن باشد که شاه به تخت برنشیند و چرابی عالم به آخر مردم پدید کند و سپس از او چیز پدید نیاید. گفتند قصد صانع عالم به اول این صنع حاصل کردن مرد

[کذا. ظاهراً: مردم] بود تا از صنعتش به آخر مردم پدید آمد» (ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۷). مولوی هم در بیان مقام برین «انسان» به ترجمه این عبارت اشاره کرده است:

پس به صورت عالم اصغر توی پس به معنی عالم اکبر توی
... اول فکر آخر آمد در عمل خاصه فکری کو بود وصف ازل

(مولوی، ۱۳۹۶: دفتر چهارم، ۸۰۱/۲ و ۸۰۲/۸۰۲ و ۵۲۲ و ۵۳۱)

غیر از این در نوشته‌های دیگران (از جمله خواجه نصیرالدین طوسی و علاءالدوله سمنانی) نیز عبارت «اول الفکر آخر العمل» در بحث از «خلقت انسان» به کار رفته است (رک: طوسی، ۱۳۶۳: ۱۵ و ۱۶؛ سمنانی، ۱۳۸۳: ۱۵۹).

همان‌گونه که پیشتر چند نفر از استادان، محققان و شارحان توجه کرده و به درستی نوشته‌اند (به ترتیب تاریخ طرح و چاپ، رک: زریاب خوبی، ۱۳۷۴: ۲۷؛^۹ جیحونی، ۱۳۷۳: ۳۹؛ نوریان، ۱۳۷۸: ۳۴؛ فردوسی، ۱۳۸۶: ب/۱/۳۲؛^{۱۰} آیدنلو، ۱۳۹۰: ۶۸۹ و ۶۹۰؛ طاهری مبارکه، ۱۳۹۲: ۷۴)، معنای مصراع با ضبط «نخستین فکرت پسین شمار» چنین است: ای انسان تو نخستین موجودی هستی که خداوند هنگام خلقت به آن اندیشید ولی در ترتیب و روند آفرینش، آخر از همه به وجود آمدی.^{۱۱} یادآور می‌شود که مطابق با گزارش خود فردوسی در دیباجه شاهنامه نیز در سلسله مراتب خلقت، «انسان» آخرین مخلوق (پسین شمار) است و پس از آفرینش همه پدیده‌ها:

کزین بگذری مردم آمد پدید شد این بندها را سراسر کلید (۶۰/۳/۱)

اسدی طوسی هم در گرشاسپ‌نامه از زبان برهمن، «مردم» را «پسین» آفرینش معرفی کرده است:

پسین مردم آمد که از هرچه بود شدش بهره و بر همه برفزود

(اسدی طوسی، ۱۳۱۷: ۱۳۵، ب ۳۲)

«نخستین فکرت پسین شمار» با این ضبط و معنایی که عرضه شد، با سه بیت پیش از آن کاملاً سازگار است که فردوسی به ضرورت توجه به جایگاه واقعی انسان و برکشیدگی و برگزیدگی او از میان موجودات دو گیتی اشاره کرده است. با تفسیرهای دیگر این رابطه معنایی از هم می‌گسلد. مصراع دوم بیت مورد بحث نیز خود گواه دیگری برای تأیید ضبط و معنای مذکور است و در واقع معنای درست و دقیق مصراع نخست با آن تکمیل می‌شود. در همین جا باید توضیح داد که صورت «تو مر خویشان را به بازی مدار» برای مصراع دوم بیت در هر دو ویرایش تصحیح خالقی مطلق، ضبط منفرد نسخه فلورانس است و همه دست‌نویس‌های دیگر «توی خویشان را به بازی مدار» دارند که در همه چاپ‌ها و تصحیحات جز از نامه باستان‌کزازی هم انتخاب

شده است. به نظر نگارنده هم نمی‌توان نویسی یگانه یک دست‌نویس را- که برای کاتبان شاهنامه کهنگی و دشواری خاصی نیز نداشته است که بخواهند تغییر بدهند و ساده بکنند- بر اتفاق ضبط همه نسخ دیگر ترجیح داد و صورت نهایی و درست بیت این است:

نخستینِ فکرتِ پسینِ شمار توی خویشتن را به بازی مدار

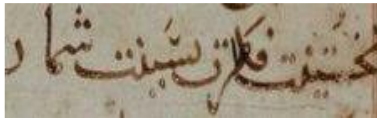
این نکته را هم برای اطلاع بعضی دانشجویان و علاقه‌مندان باید افزود که در ضبط «نخستین فکرت پسین شمار»، کلمات «نخستین» و «پسین» به ترتیب صفت «فکرت» و «شمار» است که به ضرورت وزنی پیش از موصوف و با کسره اضافه آمده است:^{۱۲} نخستین فکرت = فکرتِ نخستین؛ پسین شمار = شمارِ پسین. خالقی مطلق در پاسخ به نقد آیدنلو بر ویرایش دوم تصحیح ایشان- که از جمله ضبط این مصراع را هم بررسی کرده است (رک: آیدنلو، ۱۳۹۴: ۷۸ و ۷۹)- از ضبط متن خویش (نخستین فکرت پسین شمار) و معنای داده شده برای آن در یادداشت‌های شاهنامه دوباره دفاع کرده و بر وجه «نخستین فکرت پسین شمار» و ارتباط آن با عبارت «اول الفکر آخر العمل» چند ایراد گرفته‌اند (رک: خالقی مطلق، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۸). خطیبی نیز رابطه عبارت عربی را با مصراع فردوسی نپذیرفته و همان نگاهشده نسخه فلورانس و متن خالقی مطلق و تفسیر ایشان را درست دانسته و خود مصراع را با همان ضبط (نخستین فکرت پسین شمار) چنین شرح کرده‌اند: «... از آنجا که در نخستین مرحله از آفرینش تو، خرد (ممیز نیکی و بدی) در گوهر تو جای گرفته، مسئولیت و وظیفه مهمی بر دوش تو نهاده شده است. از این رو با اتکا به خرد، می‌توانی بین نیکی و بدی، یکی را برگزینی و بر اساس این گزینش در روز قیامت کارهایت را حساب‌رسی می‌کنند و پاداش نیکی یا پادافره بدی را می‌بینی (خطیبی، ۱۴۰۲: ۱۳۵).

بعضی محققان «نخستین فکرت» را «از لحاظ عقل» و «در دانایی» معنا کرده‌اند و دریافتشان از مصراع فردوسی چنین است که: «نخستین چیزی که خدا آفرید عقل بود، لذا هر چند آدمی به کالبد دیر به جهان آمد، از لحاظ عقل (که حقیقت وجود او همان است)، نخستین مخلوقات خدای تعالی می‌باشد» (عبید زاکانی، ۱۳۷۴: ۴۹ توضیح حلبی) و «انسان... در شمارش آخر است ولی در دانایی اول است» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۹: ۸۹). این تفسیرها درست نیست و چنان‌که گذشت، «نخستین فکرت» معادل «اول الفکر» و به معنای «نخستین چیزی است که به آن فکر می‌شود». درباره ضبط و معنای این مصراع کار به خیال‌پردازی‌های غیرعلمی و نامستند هم کشیده است و یکی از محققان احتمالاً به تأثیر از تفسیر نادرست کویاجی، با تغییر «فکرت/ فطرت» به «فرورت» در معنی «فروهر، فروشی» مصراع را به گونه سکتهدار «نخستین فرورت پسین شمار» خوانده و چنین گزارش کرده‌اند: «تو در آغاز فرورت (فروهر = پدیده مینوی)

بوده‌ای» و «پس از روز شمار/ رستاخیز همان فروهر یا تن پسین (نمردنی ...) خواهی بود» (پرش روی، ۱۴۰۱: ۱۰۵-۱۰۸).^{۱۳}

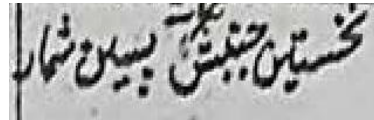
یادداشت‌ها

۱. در این نسخه یکی از مالکان و خوانندگان خواسته است «فکرت» را به «فطرت» - که ملاحظه خواهد شد ضبط



اغلب دست‌نویس‌هاست - اصلاح کند:

۲. در اینجا نیز یک نفر بعدها روی «جنبش» که نگاشته یگانه این نسخه است، نوشته «فطرت».



۳. جوینی در چاپ حروفی نسخه فلورانس، ضبط این دست‌نویس را که «فکرت» است به «فطرت» تغییر داده و معنایی هم که نوشته‌اند برای وجه غالب نسخ (نخستین فطرت پسین شمار) است نه دقیقاً برای «نخستین فطرت پسینت شمار».

۴. کزازی هم ضبط «نخستین فطرت پسینت شمار» را به صورتی معنا کرده‌اند که مناسب «نخستین فطرت پسین شمار» است.

۵. جلیل دوستخواه مترجم کتاب در ویراست دوم ترجمه، مصراع را بر اساس ضبط تصحیح خالقی مطلق (نخستین فکرت پسینت شمار) آورده‌اند ولی در اصل متن و چنان‌که در چاپ اول ترجمه آمده، «نخستین فطرت پسین شمار» است. رک: کویاجی، ۱۳۷۱: ۱۱.

۶. یاحقی هم در گزیده دوم خود از شاهنامه ضبط متن خالقی مطلق را آورده و مانند ایشان معنا کرده‌اند. رک: یاحقی، ۱۳۹۴: ۳۹.

۷. پرهام در بحث از این مصراع نوشته‌اند: «از آنجا که تعداد نسخه‌های مربوط به واژه فطرت بیش از همه است ... و این نسخه‌ها قدیمی‌تر از دو نسخه‌ای هستند که واژه فکرت در آن‌ها به کار رفته، منطق حکم می‌کند که بنای کار را بر تعداد بیشتر با کیفیت بهتر بگذاریم» (همان: ۴۷). ایشان صورت درست مصراع را «نخستین فطرت پسین در شمار» دانسته‌اند. خاطر نشان می‌شود که در نسخه لنینگراد (۷۳۳ ه.ق) به جای «پسین شمار»، «پسین در شمار» نوشته شده است.

۸. البته او این تعبیر را به جای «انسان» مذکور در شاهنامه، برای «سخن» به کار برده است.
 ۹. این مقاله در فروردین ماه سال ۱۳۷۰ در «میزگرد شاهنامه» در پاریس عرضه شده و اولین بار در مجله ایران‌نامه، سال دهم، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۰، صص ۱۴-۲۳ چاپ شده است.
 ۱۰. برگ‌نسی با اینکه ضبط «نخستینت فکرت پسینت شمار» را از نسخه فلورانس برگزیده‌اند، معنا را بر پایه صورت «نخستین فکرت پسین شمار» و با توجه به عبارت «اول الفکر آخر العمل» نوشته‌اند.
 ۱۱. برای توضیح بیشتر درباره «شمار» به معنای «ترتیب آفرینش» در ترکیب «پسین شمار»، رک: مجتبیایی، ۱۳۹۱: ۱۵۷ و ۱۵۸.

۱۲. همچنان که در مصراع «اول اندیشه پسین شمار» در مخزن الاسرار نظامی. در بیتی از مثنوی محمود و ایاز زلالی خوانساری (قرن یازدهم) نیز «وقت پسین» به ضرورت وزن به صورت «پسین وقت» با کسره اضافه به کار رفته که مشابه «پسین شمار» است:

پسین وقت گر روز وداع است نفس را با دم آخر نزاع است

(زالالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۷۹۴، ب ۵۵۵۷)

۱۳. برای نقد این ضبط و معنا، رک: آیدنلو، سجاد؛ «هر کسی از ظن خود شد یار تصحیح شاهنامه» (۲)، آینه پژوهش، سال سی و سوم، شماره دوم (پیاپی ۱۹۵)، مرداد و شهریور ۱۴۰۱، صص ۱۸۳ و ۱۸۴.

کتاب‌نامه

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۰). دفتر خسروان (برگزیده شاهنامه فردوسی). تهران: سخن.
 آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۴). «معرفی و بررسی دو تصحیح تازه شاهنامه (ویرایش نهایی چاپ مسکو و ویرایش دوم شاهنامه به اهتمام جلال خالقی مطلق)». آینه میراث. ضمیمه شماره ۴۰.
 ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۹۹). ابوالقاسم فردوسی (دیدگاه‌های فلسفی استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی). تحقیق و تدوین اسماعیل منصوری لاریجانی. تهران: سروش.
 اسدی طوسی. (۱۳۱۷). گرشاسپ‌نامه. تصحیح حبیب یغمایی. تهران: بروخیم.
 امیدسالار، محمود. (۱۳۸۹). «کتاب اختیارات شاهنامه». سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، صص ۱۷۱-۱۷۶.
 پرهام، باقر. (۱۳۷۷). با نگاه فردوسی (مبانی نقد خرد سیاسی در ایران). ویراست دوم. تهران: مرکز.

- پریش روی، عباس. (۱۴۰۱). گمان‌هایی در شناخت شاهنامه و فردوسی (جستاری چند درباره فردوسی و شاهنامه). دفتر دوم. تهران: کتاب پنجره.
- تقوی، محمد. (۱۳۹۰). شاهنامه فردوسی (کوتاه‌شده). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- جامی، عبدالرحمان. (۱۳۷۰). نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، مقدمه، تصحیح و تعلیقات ویلیام چیتیک. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- جیحونی، مصطفی. (۱۳۷۳). «بررسی بیت‌هایی از شاهنامه فردوسی» (۱). آشنا. سال ۳. شماره ۱۸. صص ۳۲-۴۶.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۱). یادداشت‌های شاهنامه. با همکاری محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۵). «نقدی در ترازوی نقد»، گزارش میراث. دوره ۲. ضمیمه شماره ۵.
- خطیبی، ابوالفضل. (۱۴۰۲). «هفت یادداشت و مقاله کوتاه شاهنامه‌شناسی». پژوهنده نامه باستان (یادنامه شادروان دکتر ابوالفضل خطیبی). به کوشش سجاد آیدنلو، سلمان ساکت و رضا غفوری. تهران: خاموش. صص ۱۱۸-۱۳۷.
- دبیرسیاقتی، سید محمد. (۱۳۷۶). گلچینی از نامور نامه باستان. تهران: علمی و فرهنگی.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۴). «کوششی دیگر در شاهنامه‌پژوهی». آشنا. سال ۴. شماره ۲۴. صص ۱۹-۳۲.
- زریاب خوبی، عباس. (۱۳۷۴). «نگاهی تازه به مقدمه شاهنامه». تن پهلوان و روان خردمند. به کوشش شاهرخ مسکوب. تهران: طرح نو. صص ۱۷-۲۹.
- زلالی خوانساری. (۱۳۸۴). کلیات. تصحیح و تحقیق سعید شفیعیون. تهران: کتابخانه مجلس.
- سجاسی، شمس‌الدین. (۱۳۶۸). فرائد السلوک. تصحیح و تحشیه نورانی وصال و غلامرضا افراسیابی. تهران: پازنگ.
- سمنانی، علاءالدوله. (۱۳۸۳). مصنفات فارسی. به اهتمام نجیب مایل هروی. تهران: علمی و فرهنگی.
- صفری آق‌قلعه، علی. (۱۳۹۵). اشعار فارسی پراکنده در متون (تاسال ۷۰۰ ه.ق). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و سخن.
- طاهری مبارکه، غلام‌محمد. (۱۳۹۲). نامه خسروان (گزارش و ویرایش شاهنامه بر اساس دست‌نویس سن‌ژوزف). جلد ۱. تهران: آراد کتاب.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۳). تصورات یا روضه‌التسلیم. تصحیح ولادیمیر ایوانف. تهران: جامی.
- عبید زاکانی. (۱۳۷۴). اخلاق‌الاشراف. تصحیح و توضیح علی اصغر حلبی. تهران: اساطیر.
- علی بن احمد. (۱۳۷۹). اختیارات شاهنامه. تصحیح مصطفی جیحونی و محمد فشارکی. مشهد: مرکز خراسان‌شناسی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۹). شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس مورخ ۶۱۴ ه.ق). تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی و دانشگاه تهران.

- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره *Add 21.103* مشهور به شاهنامه لندن). نسخه برگردانی ایرج افشار و محمود امیدسالار. تهران: طلایه.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه (نسخه برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری، کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، شماره *NC.43*). به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار و نادر مطلبی کاشانی. تهران: طلایه.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹ الف). شاهنامه همراه با خمسة نظامی (نسخه سعدلو). با مقدمه فتح الله مجتبیایی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۵۰). شاهنامه (چاپ عکسی نسخه بایسنقری، کتابت ۸۲۹-۸۳۳ ه.ق.). تهران: شورای جشن های شاهنشاهی.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه توپقاپوسرای، کتابت ۷۳۱ ه.ق.). شماره *H 1479*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه لنینگراد، کتابت ۷۳۳ ه.ق.). شماره *Dorn 329*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه قاهره، کتابت ۷۴۱ ه.ق.). شماره ۶۰۰۶ س
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه قاهره، کتابت ۷۹۶ ه.ق.). شماره ۱۶۶۱.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی، ظاهراً کتابت سده هشتم). شماره ۱۶۶۱.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه دهلی، کتابت ۸۳۱ ه.ق.). شماره 601
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه نورعثمانیه، کتابت ۸۳۴ ه.ق.). شماره *FF ۸۴*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه بادلیان، کتابت ۸۱۷-۸۳۸ ه.ق.). شماره *Ms. Ouseley Add. 176*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه لیدن، کتابت ۸۴۰ ه.ق.). شماره *Or. 494*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه لندن/ بریتانیا، کتابت ۸۴۱ ه.ق.). شماره *Or. 1403*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه سلیمانیه، کتابت ۸۴۳ ه.ق.). شماره *F ۴۸۶*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۸۴۴ ه.ق.). شماره *Suppl. Pers. 494*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه ایاصوفیه کتابت ۸۴۶ ه.ق.). شماره *FF ۸۵*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۸۴۸ ه.ق.). شماره *Suppl. Pers. 494*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه واتیکان، کتابت ۸۴۸ ه.ق.). شماره *Vat. Persaino. 118*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت ۸۵۷ ه.ق.). شماره *F ۸۶۱*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت ۸۶۱ ه.ق.). شماره *F ۲۸۸*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت ۸۶۹ ه.ق.). شماره *FF ۸۶*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه برلین، کتابت ۸۹۴ ه.ق.). شماره *Ms. Or. Fol. 4255*
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه دانشگاه استانبول، کتابت ۸۹۵ ه.ق.). شماره *F 1407*

- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه مونیخ، کتابت ۹۰۲ ه.ق.). شماره 934
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۹۰۵ ه.ق.). شماره Persan 228
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۹۷۴ ه.ق.). شماره Suppl. Pers. 2113
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت ۱۰۱۲ ه.ق.). شماره Suppl. Pers. 490
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه کتابخانه ملی، کتابت ۱۰۶۱ ه.ق.). شماره ۹۲۲۸.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه دانشگاه هاروارد، کتابت ۱۱۳۴ ه.ق.). شماره Ms Persian 78
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه برلین، کتابت ۱۱۹۹ ه.ق.). شماره Ms. Or. Fol. 189
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه مجلس، بی تاریخ). شماره ۳۲۵۷.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه مجلس، بی تاریخ). شماره ۱۲۹۱۹.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه دانشگاه تهران، بی تاریخ). شماره ۸۵۰۲.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، بی تاریخ). شماره ۲۵۷.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، بی تاریخ). شماره persan 229
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه برلین، بی تاریخ). شماره Ms. Ham 260
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (دانشگاه توینگن، بی تاریخ). شماره Ma III b 65
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه پاریس، بی تاریخ). شماره persan 229
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه دانشگاه میشیگان، بی تاریخ). شماره 280
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (نسخه کتابخانه کنگره، بی تاریخ). شماره m 14
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (دانشگاه هاروارد، بی تاریخ). شماره 422
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۸۲۹). شاهنامه، به کوشش ترنر مکان. کلکته.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۸۷۷). شاهنامه، به کوشش یوحنا ولرس. لیدن: بریل.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳). شاهنامه، تصحیح ژول مول. چاپ سوم. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). شاهنامه (بر اساس چاپ مسکو). به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۹۷۱). شاهنامه (ویرایش دوم چاپ مسکو). به کوشش رستم علی‌یف و محمد نوری عثمانوف. تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵ الف). شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس (۶۱۴ ه.ق.). جلد ۱. گزارش عزیزالله جوینی. تهران: دانشگاه تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵ ب). شاهنامه. چاپ سوم. به کوشش محمد رمضان. تهران: پدیده (کلاله خاور).
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵ ج). شاهنامه. ویراسته مهدی قریب و محمدعلی بهبودی. تهران: توس.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). شاهنامه. تصحیح مصطفی جیحونی. اصفهان: شاهنامه‌پژوهی.

- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ الف). شاهنامه. به کوشش سید محمد دبیرسیاقی. تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ ب). شاهنامه. تصحیح و توضیح واژه‌ها و معنای ابیات کاظم برگ‌نیسی. تهران: فکر روز.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ ج). شاهنامه (چاپ بروخیم). تصحیح عباس اقبال آشتیانی، مجتبی مینوی و سعید نفیسی. به اهتمام بهمن خلیفه. تهران: طلایه.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ د). شاهنامه. به کوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی. تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ ه). شاهنامه. ویرایش مهدی قریب. تهران: دوستان.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ و). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق. دفتر ششم با همکاری محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱ الف). شاهنامه، تصحیح و شرح مهري بهفر. دفتر اول. تهران: نشر نو با همکاری نشر آسیم.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱ ب). شاهنامه (ویرایش نهایی چاپ مسکو). زیر نظر مهدی قریب. تهران: سروش با همکاری دانشگاه خاورشناسی مسکو.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۸ الف). شاهنامه. ویرایش جلال خالقی مطلق. دوره چهار جلدی. تهران: سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۸ ب). شاهنامه. ویرایش دانشورانه و نوآیین میرجلال‌الدین کزازی. تهران: ترنگ.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۷۸). خلاصه شاهنامه. چاپ نهم. تهران: مجید.
- فروغی، محمدعلی؛ یغمایی، حبیب. (۱۳۸۷). گزیده شاهنامه. ویرایش ایرج بهرامی. تهران: زوار.
- کاشفی، ملاحسین. (بی‌تا). لب لباب مثنوی (بر اساس نسخه سید نصرالله تقوی). با مقدمه سعید نفیسی. تهران: بنگاه افشاری.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۹۴). نامه باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه). جلد ۱. چاپ دهم. ویراست دوم. تهران: سمت.
- کویاجی، جهانگیر کوورجی. (۱۳۷۱). پژوهش‌هایی در شاهنامه. گزارش و ویرایش جلیل دوستخواه. اصفهان: زنده‌رود.
- کویاجی، جهانگیر کوورجی. (۱۳۸۰). بنیادهای اسطوره و حماسه ایران. گزارش و ویرایش جلیل دوستخواه. ویراست دوم. تهران: آگه.
- مجتبایی، فتح‌الله. (۱۳۹۱). «نخستین فکرت پسین شمار». خرد بر سر جان (نامگانه دکتر احمدعلی رجایی بخارایی). به درخواست و کوشش محمدجعفر یاحقی، محمدرضا راشد محصل و سلمان ساکت. تهران: سخن با همکاری قطب علمی فردوسی‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. صص ۱۵۳-۱۵۸.
- محبوب، محمدجعفر. (بی‌تا). سبک خراسانی در شعر فارسی. تهران: جامی و فردوسی.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۷۷). ظفرنامه به انضمام شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا Or.2833). تهران و وین: مرکز نشر دانشگاهی و آکادمی علوم اتریش.
- المقدسی، مطهر بن طاهر. (بی‌تا). البدء و التاریخ. [بی‌جا]: مکتبه الثقافه الدینیة.

مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۹۶). مثنوی معنوی، تصحیح محمدعلی موحد. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی و هرمس.

ناصر خسرو. (۱۳۶۳). جامع‌الحکمتین. به اهتمام هانری کربن و محمد معین. چاپ دوم. تهران: طهوری.
نظامی گنجوی. (۱۴۰۱). مخزن‌الاسرار. مقدمه، تصحیح و تعلیقات تقی پورنامداریان و مصطفی موسوی. تهران: سخن.
نوریان، مهدی. (۱۳۷۸). «نخستین فکرت پسین شمار». نشر دانش. سال ۱۶. شماره ۳ (پیاپی ۹۰). صص ۲۹-۳۶.
یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۷). بهین‌نامه باستان (خلاصه شاهنامه فردوسی). چاپ ششم. مشهد: به‌نشر آستان قدس رضوی.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۴). چنین گفت دهقان (کوتاه‌شده شاهنامه فردوسی). مشهد: به‌نشر آستان قدس رضوی.